

رویارویی با بزهکاری مهاجران در سیاست کیفری ایران؛ «داشته‌ها و بایسته‌ها»

فرانک محضری* / بتول پاکزاد** / حسن عالی‌پور*** / مجتبی فرحبخش***

تاریخ: دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۵ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۰/۱۸ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵

چکیده

بزهکاری مهاجران و چارچوب مباحث نظری مرتبط با آن همواره موضوع بحث علوم گوناگون از جمله حقوق بر مبنای اصول بنیادین حقوق بشر، حقوق بین‌الملل و مؤلفه‌های خاص از حقوق داخلی بوده است. در این نوشتار، با نگاهی توصیفی تحلیلی رویکرد سیاست‌های پاسخ‌دهی جنایی در قبال جرایم مهاجران با استناد به قوانین موجود مورد کنکاش قرار گرفته و در گفتمان سیاست جنایی در حوزه سیاست‌گذاری کیفری این نتیجه حاصل می‌شود که قوانین کیفری ایران در خصوص مهاجران رویکردی مجرم‌مدار و امنیت‌گرا داشته، در حالی که شناخت عمیق و درک ابعاد گوناگون پدیده مهاجرت در حوزه کیفرگذاری نیازمند وضع قوانین راهبردی و تعیین خط‌مشی و سیاست‌های اجرایی متناسب آسیب‌شناسانه با سیاست‌گذاری افتراقی با توجه به مؤلفه شخصیت بزهکاران، تحلیل وضعیت مهاجران و نگرش بر تعاملات اجتماعی آن و پیامدهای ارتکاب جرم با حفظ امنیت سرزمینی و پاسداشت حدود و ثغور مرزهای کشور است که با تدوین قوانینی فرانگر و جامع همسو با نگرش‌های حقوق بشری با پاسخ‌دهی مناسب در هماهنگی سازمان‌ها و نهادهای مرتبط در مقابله با بزهکاری مهاجران به دست می‌آید.

کلیدواژه: مهاجران، بزهکاری، سیاست‌گذاری کیفری، حقوق داخلی.

* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران

** استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

d.b.pakzad@gmail.com

*** استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران (پردیس فارابی)، قم، ایران،

*** استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

مقدمه

مهاجرت و مهاجران از مفاهیم چالش برانگیز عصر حاضر است که ابعاد اجتماعی، امنیتی، سیاسی و فرهنگی و حقوقی آن دولت‌ها را به تعاملات بین‌المللی در عرضه توسعه جهانی ناگزیر ساخته است. مهاجرت که از دیرباز به شکل حقی بنیادین در پهنه زمین متأثر از عوامل گوناگون به رسمیت شناخته شده بود با پیشرفت فناوری‌های گوناگون علمی همچنان مشروعیت خویش را با وجود اقتدار دولت‌ها در اعمال حاکمیت حفظ نموده است. مهاجران که با درنوردیدن مرزها جامعه جهانی را به دهکده‌ای بدون مرز تبدیل نموده اند کشورهای ترانزیت و مقصد را با پیامدهای خوشایند و ناخوشایند حضور خود متأثر ساخته اند. یکی از پیامدهای حضور ناخوشایند مهاجران، بزهکاری برخی از آنان است که گاه از همان بدو ورود به شکل مهاجرت غیرقانونی و پس از ورود و اسکان با ارتکاب جرایم دیگر موجبات ناامنی و مطالبات اجتماعی را رقم زده است. با توجه به پیشینه قوی در پاره‌ای از تحقیقات پیرامون مهاجران و جایگاه آنان در نظام‌های حقوقی و بررسی همه جانبه در این خصوص به ویژه با نگاه حقوق داخلی و بین‌المللی و با رویکرد حقوق بشری و پردازش موضوع در تألیفات اعم از کتب حقوقی و جرم‌شناختی، پایان‌نامه‌ها و مقالات داخلی و برخی مقالات خارجی در نیل به اهداف میانی و غایی در دو حوزه قوانین و نظم حاکم بر بزهکاری مهاجران و بایسته‌های تقنینی با لحاظ ابعاد آسیب شناسانه، بین‌المللی و افتراقی سیاستگذاری در این مقاله به تبیین نظم قانونی فعلی در بازه ۹۰ ساله در کشور و سمت و سوی این سیاست کیفری، کاستی‌های نظم حقوقی و جهت‌یابی سیاست کیفری در قبال بزهکاری مهاجران با ملحوظ نظر داشتن شاخص‌های تأثیرگذار و آسیب شناسانه عوامل موجد جرم پرداخته و این پرسمان و چالش مطرح می‌شود که آیا قوانین جزایی فعلی توانسته به همه زوایای حضور مهاجران و بزهکاری آنان توجه نموده و در پیشگیری از اعمال مجرمانه آنان موفق باشد و یا همچنان نیازمند سیاستگذاری کیفری افتراقی با نگرشی

آسیب شناسانه و حقوق بشری با هدف مدیریت پیشگیری و مقابله با بزهکاری مهاجران است که با وضع قوانینی به روز و به اقتضای زمان و با لحاظ همه ابعاد اقدام نماید؟ بر این اساس، بعد از بیان مفهوم بزهکاری مهاجران به داشته‌های سیاست کیفری ایران در رویارویی با بزهکاری مهاجران پرداخته می‌شود و سپس بایسته‌های سیاست کیفری در پاسخ‌دهی به جرایم مهاجران مورد کنکاش قرار گرفته و جهت‌گیری تحلیل‌های نظری چنین خواهد بود که با سیاستگذاری افتراقی با نگاهی حقوق بشری و آسیب شناسانه می‌توان در مهار و کنترل بزهکاری مهاجران به ثباتی پایدار در کشور دست یافت.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱- مفهوم بزهکاری مهاجران

بزهکاری اقدام به عملی است برخلاف موازین، مقررات و معیارهای فرهنگی یک جامعه (کرمی و عبداللهی، ۱۳۹۵: ۱۱۸) و به معنای طیف وسیعی از رفتارهای مخالف ارزش‌های یک جامعه می‌باشد (مبارکی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۱۵). جرم و بزهکاری نمایانگر دیدگاه اجتماع به رفتارهای هنجارشکنی است که اعمال مورد تنفر جامعه را در قالب اصل قانونی بودن جرم به تصویر می‌کشد (فعال و صادقی، ۱۳۹۷: ۵۹) تارفتاری در باور جامعه مورد مذمت نباشد در واقعیت اعتباری جرم که محدود به واقعیت حقوقی جرم است متصف به وصف مجرمانه نخواهد بود (عالی‌پور، ۱۳۸۳: ۱۲۶). بزه و جرایم ارتكابی در هر جامعه‌ای به علل و عوامل گوناگونی باز می‌گردد. در ارتباط با بزهکاری مهاجران، علل بزه منتسب به آنان عمدتاً به هویت و چیستی مهاجران، نوع روابط و تعاملات آنان در جامعه مبدأ و مقصد و نگرش جامعه میزبان از بعد کیفری و آسیب شناسانه مرتبط خواهد بود. در نگرش به داشته‌ها و بایسته‌های سیاست کیفری در رویارویی بزهکاری مهاجران در چارچوب موضوعی مشخص ترسیمی از مفاهیم مهاجرت، مهاجر و عناوینی همجوار و نیز بزهکاری آنان لازم به نظر می‌رسد.

۱-۲- تعریف مفهومی مهاجر

مهاجرت و مهاجر به عنوان مفاهیمی پویا از دیرباز در عرف جوامع به جابجایی انسانی از خاستگاه اصلی به مکانی نا آشنا اطلاق می گردید. مهاجرت و مقررات آن متأثر از حقوق بین الملل و تابع ساختار حقوقی حاکم بر افراد بیگانه در کشور میزبان است که در سایه مناسبات سیاسی آن کشور قرار دارد. بسته به شرایط تعاریف متعددی از مهاجرت وجود دارد که همگی با پویایی و جابه جایی اشخاص در موقعیت‌های مکانی و بنابر دلایل گوناگون انجام می‌پذیرد. در تعریف لغوی «مهاجرت به اقدام جهت ترک دیار و اقامت در مکان دیگر اطلاق می شود و مهاجر به شخصی که از وطن خود هجرت نماید و آن را ترک گوید و در سرزمین دیگر سکنی گزیند» (نمین، ۱۳۹۰: ۱۰). بنا به واژه‌نامه سازمان بین المللی مهاجرت (IOM) در سال ۲۰۱۵ میلادی، جابجایی یک فرد یا گروهی از افراد چه به صورت عبور از یک مرز بین‌المللی و یا در مرزهای داخلی یک کشور را مهاجرت می‌گویند. پویایی جمعیت شامل هر نوع جابجایی انسان‌ها صرفنظر از مدت زمان، ساختار و علت‌های ایجاد مهاجرت شامل مهاجرت پناهندگان، آوارگان، مهاجرین اقتصادی و افرادی که به واسطه سایر اهداف جابجا می‌شوند (از جمله الحاق به خانواده) می‌گردد (iom.int,2015).

در تعریفی از مهاجرت توسط کوتاری در سال ۲۰۰۲ میلادی، مهاجرت را به حرکت یک فرد یا گروهی از افراد در امتداد مرزهای سیاسی از یک واحد جغرافیایی به واحد دیگر برای اقامت دائم یا موقت در مکانی غیر از کشور مادر تعریف می‌کند و آن را عاملی برای تغییر وضعیت فرد مهاجرت کننده لحاظ می‌کند (متقی، ۱۳۹۴: ۶۴) و یا مهاجرت جابجایی مکانی است که به طور نسبتاً دائمی توسط مهاجر بنا به اولویت در ارزش‌ها و اهداف موردنظر وی صورت می‌گیرد (علومی، ۱۳۹۸: ۱۵۰) و مهاجر به کسی گفته می‌شود که از کشوری به کشور دیگر با جابجایی مکانی به دلیل عدم وجود شرایط مطلوب اقتصادی و اجتماعی نقل و مکان می‌کند (پرویزی، ۱۳۹۴: ۴۰).

در بخش انتشارات سایت سازمان بین‌المللی مهاجرت (IOM) در نشریه گزارش مهاجرت جهانی در سال ۲۰۲۰ میلادی در خصوص مهاجرت و مهاجر بیان داشته است: جدا از تعریف معمول از مهاجرت و مهاجر مانند آن چه که در لغت‌نامه‌ها یافت می‌شود تعریف خاص و متفاوتی از مهاجرت بسته به شرایط وجود دارد مانند تعاریف حقوقی، اداری یا اجرایی، پژوهشی و حوزه‌های آماری؛ اما یک موافقت جهانی از تعریف مهاجر و مهاجرت وجود ندارد با وجود این، چند تعریف به طور گسترده مورد پذیرش قرار گرفته و در زمینه‌های مختلف توسعه یافته است مانند آن چه که در سال ۱۹۹۸ تحت عنوان توصیه‌های مربوط به آمار مهاجرت بین‌المللی در سازمان ملل تنظیم گردیده است. تعاریف تکنیکی، مفاهیم و دسته‌بندی‌هایی از مهاجرت و مهاجرین نیاز به آگاهی از موقعیت جغرافیایی، حقوقی، سیاسی، روش شناختی زمانی و سایر فاکتورها دارد. برای نمونه، روش‌های متعددی که می‌توان با آن رویدادهای مهاجرت را تعریف نمود و این موضوع زمانی که به تحلیل تأثیرات مهاجرت و مهاجران پرداخته می‌شود مهم خواهد بود (Iom.net,2020:part 1-19).

بنا به تعریف سازمان بین‌المللی مهاجرت (IOM) در پاسخ به این پرسش که مهاجر چه کسی است؟ بیان شده: به عنوان یک اصطلاح و نه تعریفی تحت حقوق بین‌الملل بلکه به عنوان بازتابی از یک درک و مفهوم مشترک، شخصی که از اقامتگاه معمول خود و بنا به دلایل مختلف به طور موقت و یا دائم به جایی دور با عبور از مرزهای بین‌المللی جابجا می‌شود مهاجر گفته می‌شود. این اصطلاح، هم گروه‌هایی از مردم را که از لحاظ حقوقی به خوبی تعریف شده‌اند مانند کارگران مهاجر و نیز افرادی که انواع خاصی از جابجایی‌ها را دارند که از منظر حقوقی دارای تعریف‌اند مانند مهاجرانی که به طور قاچاق وارد کشوری می‌شوند، شامل می‌شود و علاوه بر آن افرادی که وضعیت آنان از لحاظ جابجایی به طور خاص تحت حقوق بین‌الملل تعریف نشده‌اند مانند دانشجویان بین‌المللی را نیز دربر می‌گیرد (iom.int,2019:34). بنا بر گزارش

گزارشگر ویژه حقوق بشر مهاجران به کمیسیون حقوق بشر بارها بر مشکل نبودن یک تعریف جامع از مهاجران و دسته‌های گوناگون‌شان تأکید شده است از آنجایی که حتی واژه کلی مهاجر، نه در حقوق بین‌الملل و نه در سیاست، تعریف نشده، لازم است تعریف کارآمدی یافت شود تا به ویژه شناسایی و جلب توجه به وضعیت‌هایی که در آن حقوق بشر افراد به وسیله یک چارچوب حقوقی، اجتماعی، سیاسی می‌تواند تحت حمایت قرار گیرد امکان‌پذیر شود (سرافراز، ۱۳۹۴: ۳۴). طبق بند ج ماده یک آئین نامه اجرایی ماده ۱۸۰ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مهاجر فردی است که متقاضی اقامت در جمهوری اسلامی ایران باشد و درخواست وی مورد قبول جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته باشد (کمیلی‌پور، ۱۳۹۴: ۲۲۴). در تعریف مفاهیم مهاجرت و مهاجران، دستیابی به مفهومی جهان شمول به دلیل برخورداری از ابعاد انسانی و ژئوپولیتیکی که متأثر از مناسبات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، مذهبی و فرهنگی است به دلیل آن که رژیم حقوقی خاصی را بر فرد مهاجر تحمیل می‌کند بسیار سخت خواهد بود، زیرا حق حاکمیت دولت‌ها در عرض صیانت از آموزه‌های حقوق بشری قرار می‌گیرد و در این راستا رسیدن به نقطه عطفی که نگرش حاکمان را از دنیای حکمرانی و حفظ چارچوب امنیت و سیاست به ارزش‌های انسانی معطوف نماید با تردید مواجه است؛ با این اوصاف می‌توان مهاجرت را جابجایی جمعیتی دانست که از خاستگاه ابتدایی خود به دلایل فرهنگی، سیاسی، مذهبی، اقتصادی، اجتماعی و یا بلایای طبیعی ناگزیر به عبور به صورت قانونی و یا غیرقانونی از مرزهای بین‌المللی شده و با اسکان در کشوری بیگانه برای مدتی نسبتاً طولانی آن‌چه را که به دنبال آن بوده، جستجو می‌کند و مهاجر فردی است که بنا به دلایلی به کشوری بیگانه که تابعیت آن را ندارد با عبور از مرزهای بین‌المللی از طریق قانونی و یا غیرقانونی وارد و متقاضی اقامت در آن کشور می‌باشد.

۱-۳- تعریف مقایسه‌ای مهاجر با الفاظی چون پناهنده، شهروند و تابعین

پدیده مهاجرت و الفاظی همجوار همچون پناهنده، غیر شهروند و تبعه بیگانه از لحاظ حقوقی دارای معانی متعددی است که نیازمند پایش و تبیین مفهومی است. اشخاص به جهات و انگیزه‌های گوناگونی خاستگاه سرزمینی خود را رها می‌نمایند. صرف‌نظر از انگیزه‌ها و دلایل مهاجرت ورود به کشوری بیگانه و استقرار در آن نیازمند دریافت حقوقی است که کشور میزبان در سایه مناسبات بین‌المللی بر بیگانگان بار می‌نماید. لذا شناسایی و تفکیک این اشخاص از باب تعیین تکالیف دو جانبه و اعمال حقوقی و مقررات قانونی امری ضروری به نظر می‌رسد؛ از اینرو در ادامه به اجمال به مفاهیمی چون تابعیت، شهروندی و پناهنده پرداخته می‌شود.

الف - تابعیت و تبعه بیگانه

تابعیت که یکی از موضوعات اساسی در حقوق بین‌الملل خصوصی است به رابطه سیاسی، حقوقی و معنوی که افراد را به دولت معینی منتسب می‌سازد تعریف می‌شود که براساس این ارتباط، حقوق و تکالیف خاصی برای افراد در برابر دولت متبوع خود در عرصه‌های بین‌المللی ایجاد می‌نماید. بنابراین هر کجا مسأله رابطه فرد با دولت و تعلق او به جامعه تشکیل دهنده دولت و یا به عبارت دیگر، رابطه فرد با ملت در مفهوم سیاسی آن مطرح باشد اصطلاح تابعیت به کار می‌رود (صادقی، ۱۳۹۶: ۶۷).

در خصوص تابعیت، سه اصل بین‌المللی وجود دارد که از سوی همه کشورها پذیرفته شده و غالب کشورها در قوانین تابعیت از این اصول پیروی می‌نمایند. اصل اول: هر فردی باید دارای تابعیت باشد (نفی بی‌تابعیتی). اصل دوم: نفی تابعیت مضاعف که هیچ فردی نباید بیش از یک تابعیت داشته باشد. اصل سوم: افراد حق تغییر تابعیت (تغییرپذیری تابعیت) را با توجه به اصل اراده و اختیار داشته باشند. به تابعیتی که از طریق خون و یا خاک از بدو تولد بر شخص تحمیل می‌شود تابعیت اصلی یا مبدأ و تابعیتی که شخص تقاضای کسب آن را پس از مدتی از سپری شدن تولد خود می‌نماید تابعیت اکتسابی یا تبعی یا اشتقاقی گفته می‌شود (حاجیان، صالحی، ۱۳۹۶: ۱۱۲-۱۰۹).

شخصی که فاقد تابعیت دولتی باشد که در آن کشور حضور دارد تبعه بیگانه محسوب می‌شود و بنا بر سازمان سیاسی و حاکمیت مستقل هر کشور و مقتضیات بین‌المللی، از برخی حقوق در کشورهای دیگر بهره‌مند است (حاتمی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۵۴-۱۵۲). جایگاه حقوقی اتباع بیگانه در ایران به عنوان قسمتی از حقوق بین‌الملل از نخستین سال‌های قانونگذاری مورد اهتمام قرار گرفته است. بر طبق ماده ۵ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۱ تمامی اتباع خارجی در محدوده حاکمیت ایران تابع قوانین ایران محسوب می‌شوند. در اصل چهاردهم قانون اساسی دولت به رعایت حقوق انسانی در مورد اتباع بیگانه تا زمانی که آنها علیه اسلام و جمهوری اسلامی ایران اقدامی نمایند مکلف شده است. مواد ۵ تا ۹ و ۹۶۱ تا ۹۹۱ قانون مدنی و موادی از قانون آیین دادرسی مدنی در خصوص حقوق اتباع بیگانه و اخذ تأمین از آنان، مقررات دو یا چند جانبه بین‌المللی، قانون ورود و خروج اتباع خارجه مصوب ۱۳۱۰ و اصلاحات بعدی آن، قانون راجع به اموال غیرمنقول اتباع خارجه مصوب ۱۳۱۰، قانون راجع به ترکه اتباع خارجه مصوب ۱۳۱۱، آیین‌نامه اشتغال اتباع بیگانه و دیگر مصوبات و قوانین در موضوع اتباع بیگانه در کشور به تصویب رسیده است که ناظر بر حقوق و تکالیف اتباع بیگانه در کشور هستند (مرندی و عیسی‌زاده اجیرلو، ۱۳۹۵: ۲۷۵-۲۷۴). بر همین مبناست که بنا به ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۸۰ قانون برنامه سوم توسعه مصوب ۱۳۷۹، مقصود از اتباع خارجی موضوع ماده ۱۸۰ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را افرادی معرفی می‌نماید دارای گذرنامه، پناهنده، مهاجر، آواره که تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران را نداشته و تحت عناوین ذکر شده، متقاضی ورود به کشور هستند و تابعیت خارجی آنها مورد قبول دولت ایران است (کمیلی‌پور، ۱۳۹۴: ۲۲۴).

بنابر مطالب فوق، تبعه بیگانه با توجه به معنای عرفی و حقوقی شامل همه کسانی می‌شود که تابعیت کشوری را که در آن ساکن هستند ندارند اما به دلایل متعددی در

کشور میزبان تحت عناوین مختلف زندگی می‌کنند و بسته به عنوان اطلاق افزون بر کرامت انسانی از برخی حقوق برخوردارند.

ب- غیر شهروند

در شناسایی اشخاص در حقوق داخلی و بین‌المللی نوعاً از دو اصطلاح تابعیت و شهروندی استفاده می‌شود. شهروندی که براساس وجود علقه و شرایط خاص بین شخص و سرزمین یا اقامتگاه ایجاد می‌گردد (سرودی مقدم، ۱۳۸۳: ۲) عبارت است از موقعیت حقوقی که در پناه حاکمیت قانون جایگاه هر فرد در جامعه و حقوق، تعهدات و امکان مشارکت او را در جامعه تبیین می‌کند (میرشکاری و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۷۶) و برخلاف حقوق بشر که حقوقی فراگیر و بنیادی است و کلیه انسان‌ها را صرف‌نظر از نژاد، ملیت، دین و زبان شامل می‌شود حقوق شهروندی به مرزهای یک سرزمین محاط بوده و به رابطه فرد با دولت و جامعه سیاسی محدود می‌گردد (اردبیلی و دیگران، ۱۳۸۶: ۳) در قانون اساسی و قانون مدنی ایران بدون آن که از شهروند نامی برده شود فقط از واژه «تبعه» استفاده شده است و سابقه این واژه در قوانین و ادبیات حقوقی ایران به دو دهه اخیر برمی‌گردد؛ از جمله در آیین‌نامه تعزیرات حکومتی در شهرداری‌های کشور در خصوص شهروندان و کارکنان مصوب ۱۳۷۶، قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ و ... و منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵ که بدون تعریفی از شهروند، به مجموعه‌ای از حقوق شهروندی از جمله بهره‌مندی اتباع ایرانی از خدمات و حمایت‌های حقوقی، کنسولی و سیاسی دولت ایران در هر نقطه از جهان اشاره شده است. بنابراین، اصطلاح شهروند به حقوق اتباع در سطح ملی و داخلی توجه دارد. این در حالی است که تابعیت، بیشتر به تقسیم جغرافیایی اشخاص در ابعاد بین‌المللی و تعلق فرد به یک دولت خاص مرتبط است (مرتضوی، محقق‌نیا، ۱۳۹۶: ۲۵۳) و غیرشهروند شامل بیگانگانی می‌گردد که از حقوقی که دولت برای شهروندان در ابعاد داخلی و ملی ترسیم نموده برخوردار نیستند.

پ- پناهنده

طبق بند الف ماده ۱۵ آیین نامه اجرایی ماده ۱۸۰ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۳۷۹، پناهنده به شخصی اطلاق می‌گردد که به علت ترس موجه از این که به دلایل مربوط به نژاد یا مذهب، ملیت یا عضویت در بعضی گروه‌های اجتماعی یا داشتن عقاید سیاسی تحت شکنجه قرار گیرد در خارج از کشور محل سکونت عادی خود به سر می‌برد و نمی‌تواند و یا به علت ترس مذکور نمی‌خواهد خود را تحت حمایت آن کشور قرار دهد (کمیلی پور، ۱۳۹۴: ۲۲۴). تعریف مذکور برگرفته از بند ۲ ماده ۱۱ کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان مصوب ۱۹۵۱ میلادی و پروتکل الحاقی آن در سال ۱۹۶۷ میلادی می‌باشد که ایران در سال ۱۳۵۴ آن را تصویب نموده است. در بند ۱ ماده ۳۳ کنوانسیون مذکور مقرر شده که هیچ یک از دول متعاقد به هیچ نحو پناهنده ای را به سرزمین‌هایی که امکان دارد به علل مربوط به نژاد - مذهب - ملیت - عضویت در دسته اجتماعی بخصوص با دارا بودن عقاید سیاسی زندگی یا آزادی او در معرض تهدید واقع شود، تبعید نخواهد کرد یا باز نخواهند گردانید. در ماده ۱۴-۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل نیز مقرر شده است که هر کس حق دارد در برابر تعقیب، شکنجه و آزار پناهگاهی جستجو کند و در کشورهای دیگر پناه اختیار کند (اکبری، ۱۳۹۰: ۹۰۱-۸۹۱-۸۱۵). با توجه به تعاریف ارائه شده، پناهنده به افرادی اطلاق می‌شود که بنا به مسائل سیاسی، مذهبی، اجتماعی، زندگی و آزادی آنان در معرض خطر جدی در کشور محل سکونتشان قرار دارد و برای دوری از وضعیت مذکور، جلالی وطن می‌نمایند.

۱-۴- تعریف بزهکاری مهاجران

بزهکاری که ترک وظیفه قانونی و اغلب، معادل جرم به کار می‌رود مجموعه تخلفات جزایی است که برخی از افراد در جامعه مرتکب می‌شوند (میرفردی و رضوی، ۱۳۹۶: ۸۵). در یک رویکرد هنجاری خاص می‌توان بزهکاری یا جرم را رفتاری

نادرست دانست از حیث اخلاقی یا اجتماعی و برهم زنده نظم و امنیت عمومی و زیان بخش علیه اجتماع و تهدید علیه افراد (فرح بخش، ۱۳۹۲: ۱۸۶).

مهاجرت که همچون سایر پدیده‌های اجتماعی مرتبط با انسان و تعاملات انسانی می‌باشد در جامعه بشری معاصر دارای پیامدهایی است. یکی از آثار و پیامدهای خاص آن ارتکاب جرم و ایجاد اختلال و شکاف در حوزه‌های امنیت سرزمینی و فرهنگ ملی کشور مقصد است؛ لذا حضور مهاجران در کشور پذیرنده همچنان که فرصت‌های مناسبی را فراروی مهاجران قرار می‌دهد با توجه به سیاست‌های اتخاذی می‌تواند تهدید جدی هم تلقی شود. عوامل مؤثر در جدی بودن تهدید عبارت است از مشخص بودن هویت آن، نزدیکی آن از لحاظ فاصله، شدت احتمالی وقوع آن، عواقب احتمالی آن و این که وضعیت تاریخی باعث تقویت آن تهدید می‌شود یا خیر (غلام‌رضازاده، ۱۳۹۵: ۹۸).

شناسایی بزهکاری مهاجران، نوع جرایم ارتكابی، آمار و پیامدهای ناشی از آن در قالب تهدیدشناسی بزهکاری مهاجران حاکمیت را به اتخاذ سیاستگذاری نظام‌مند وادار می‌سازد تا با ایجاد برنامه‌های راهبردی، زمینه منتهی به بزهکاری مهاجران را شناسایی و با مقابله، کنترل و زوال آن جایگاه ملی و بین‌المللی خود را تحکیم بخشد.

بزه و رفتارهای بزهکارانه در هر جامعه‌ای توسط قوانین حقوقی و هنجارهای اجتماعی آن جامعه مشخص می‌شود؛ اگرچه در بسیاری از جوامع بزه به عنوان رفتاری مستوجب تنبیه از طرف قانون تعریف شده است اما صرفاً مفهوم حقوقی مسأله جهت تبیین آن کافی نیست بلکه بزهکاری به معنای متغیرهایی از اعمال ارتكابی علیه احکام قانونی است که می‌تواند ماهیت‌های مختلفی را به خود اختصاص دهد (رزمخواه و دیگران، ۱۳۹۲: ۳)؛ بدین منظور، ارائه تعریفی از بزهکاری مهاجران که چارچوب اعمال بزهکارانه و پیامدهای ناشی از آن را معین نماید می‌تواند به قانونگذاری درست و افتراقی بر پایه موقعیت و جایگاه اجتماعی آنان از جهت بیگانه محسوب شدن و نیز دیدگاه

آسیب شناسانه در پیشگیری از جرم دست یافت. با توجه به گونه‌های مهاجرت و گونه افسار گسیخته بین‌المللی آن که در قالب مهاجرت های نامشروع و غیرقانونی دارای بازتاب‌ها و پیامدهای چندین لایه جزایی و امنیتی است که به واسطه فشار بر حدود و ثغور سرزمینی دولت‌ها و نفوذپذیری مرزها و افزایش سطح ورود و خروج غیرمجاز حاصل می‌شود قاچاق به ویژه در حوزه مواد مخدر و کالاهای ناسالم، گسترش تروریسم، فعالیت شبکه‌ها و باندهای فساد و تبهکاری و مافیایی، سوء استفاده از نیروی کار مردان خارجی، سوء استفاده جنسی از زنان مهاجر، جاسوسی و فعالیت های ضد امنیتی، جنایت علیه تمامیت جسمانی، جرایم علیه اموال و آسایش عمومی به عنوان مهم ترین رفتارهای مجرمانه توسط مهاجرین به حساب می‌آیند.

در مجموع می‌توان در یک تعریف کلی، بزهکاری مهاجران را شامل تمام رفتارهای هنجارشکنانه و ناقض قانون در جامعه میزبان توصیف نمود که طیف وسیعی از عناوین مجرمانه را به خود اختصاص داده و پیامدهای ارتکاب آن در سطح ملی و فراملی اثرات عمیقی بر جامعه میزبان می‌گذارد.

۲- داشته‌های سیاست کیفری ایران در رویارویی با بزهکاری مهاجران

نظام حقوقی ایران در دهه‌های گذشته بر پایه تغییرات در نظام حقوقی جهانی و رشد و شکوفایی علوم چون جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی و گرایش‌های گوناگون آن به پدیده مهاجرت به معنای عام و خاص آن توجه داشته است. می‌توان در این مقوله اذعان نمود که براساس پیوند ناگسستنی در رابطه مهاجرت و ابعاد و زوایای تغییرات اجتماعی، وقوع جرایم، پیچیدگی نظام های حقوقی و وضع قوانین بین‌المللی بر پایه مکاتب فلسفی و جرم‌شناختی غربی و شرقی و آمیختگی آنها با یکدیگر، وضعیت ژئوپولتیکی ایران در منطقه خاورمیانه، مهاجرت و پناهندگی با حیات اجتماعی نظام حاکم بر دولت ایران عجین گردیده و به گونه‌ای خاص تعمیق یافته است. ایران

همچون سایر دولت های جهانی به ویژه پس از انقلاب به دلایل مختلفی با حضور مهاجران و پناهندگان گوناگون از کشورهای همسایه در مرزهای شرقی و غربی خویش چون افغانستان، پاکستان و عراق در سطح وسیعی روبه رو گردید. کشمکش ها و تعارضات منطقه ای حاکم بر نظام سیاسی کشورهای همسایه و به تبع آن، جنگ های خرد و کلان در طول چند دهه در این کشورها که به ناآرامی های سیاسی و اجتماعی و تحولات در حوزه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی انجامید موجب گسیل شدن بافت جمعیتی وسیعی به ویژه از افغانستان در مناطق مختلف ایران به عنوان مأوی و جایگاه امن سرزمینی از جهات مشترک فرهنگی، اعتقادی و زبان مشترک گردید (عینی و غلامی، ۱۳۹۱: ۱۰۷) با مراجعه به قوانین موجود و نظام حقوقی حاکم بر ایران این ادراک حاصل می شود که دولت ایران از حدود ۹۰ سال پیش در راستای کارکردی اصولی و عدالت محور و بر مبنای قواعد و اصول حاکم بر نظام حقوق بین الملل و بانگرس بر تمامی ابعاد و زوایای حاکم بر پدیده مهاجرت به ویژه پیامدهای ایجابی و سلبی ناظر بر حضور آنان در خاک کشور همانند دیگر دولت های پیشرفته و توسعه مند با اعمال محدودیت های لازم در برابر آزادی مطلق پذیرش بیگانگان و مهاجران (نصیری، ۱۳۹۵: ۱۰۶) در ابعاد حقوقی و کیفری با جرم انگاری و وضع قوانین و مقررات گوناگون ورود و خروج، اقامت، احوال شخصیه و بزهکاری اتباع بیگانه، مهاجران و پناهندگان را تحت شمول کنترل و پایش خویش قرار داده است تا بر پایه ضابطه ای منظم بتواند جهت حفظ امنیت ملی و داخلی در تمام سطوح و حدود و ثغور مرزهای سرزمینی خویش و پیشگیری از مهاجرت غیر قانونی و اعمال ضوابط قانونی در عملکرد ایجابی و سلبی آنان در خاک ایران اقدامات اساسی اعمال نماید. از جمله مقرره قانونی در خصوص مهاجران، صدور گذرنامه جهت ورود اتباع بیگانه در بدو امر به ایران است. در واقع بیگانگانی که قصد ورود به کشور را دارند باید با پشتوانه گذرنامه و از مجاری رسمی اقدام نمایند (عینی و غلامی، ۱۳۹۱: ۱۱۱-۱۱۰). افزون بر

روبارویی با بزهکاری مهاجران در سیاست کیفری ایران؛ «داشته‌ها و بایسته‌ها» ————— ۲۹۰

آن، تردّد باید از طریق نمایندگی‌های سیاسی ایران در خارج از کشور و کنسول‌گری‌ها با اخذ ویزا جهت ارائه به مأموران مرزی باشد. با این وصف، ورود مهاجران براساس ضوابط و مقررات قانونی به درستی انجام می‌پذیرد. مهاجرانی که از مجاری غیر رسمی به کشور وارد شوند مرتکب جرم ورود غیرقانونی خواهند شد. در ارتباط با وضعیت مهاجران تنها ورود و خروج آنان در سایه قوانین ابعاد قانونی و غیر قانونی بودن حضور را توجیه نمی‌کند چه بسا پس از ورود به خاک ایران، عدم رعایت و التزام به قوانین موجود نیز موجبات اّتصاف مهاجران به وصف غیرقانونی بودن را توصیف و آنان را از چارچوب ضوابط قانونی از جمله اصول و ضوابط حاکم بر اقامت، اشتغال و دیگر موارد دور ساخته و منجر به اعمال مجازات و یا طرد از کشور می‌نماید (شهبازی و چهل امیرانی، ۱۳۹۵: ۴۰).

۲-۱- جرم انگاری

تحدید آزادی و جرم انگاری در چارچوب اصل قانونی بودن جرم و مجازات در اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون‌های متعدّد بیان گردیده است. در بند ۲ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوّب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی مقرر شده است: هیچ کسی برای انجام یا عدم انجام عملی که در موقع ارتکاب آن عمل به موجب حقوق ملی یا بین‌المللی جرم شناخته نمی‌شده است محکوم نخواهد شد...؛ در ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوّب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ میلادی نیز مضمون بند ۲ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته است (اکبری، ۱۳۹۰: ۸۲۴-۸۱۴).

جرم انگاری به عنوان یکی از مکانیسم‌های مهمّ سیاست جنایی هر کشور در مقابله با بزهکاری است و به فرایندی اطلاق می‌گردد که توسط آن حکومت رفتارهایی را از حیطة آزادی شهروندان خارج و به قلمرو تحت کنترل خود با اعمال مجازات منتقل می‌نماید (رضایی و دیگران، ۱۳۹۹: ۶-۵).

جرم انگاری که با هدف حمایت از ارزش‌های اساسی جامعه و رعایت صوابدید اجتماعی انجام می‌پذیرد از طریق سیر قانونگذاری کیفری که روال طبیعی آن در قوانین فراتقنینی و تقنینی مشخص گردیده است عملی می‌گردد (هدایتی چنانی، ۱۳۹۹: ۵۱۹)؛ در واقع، تجلی‌گاه جرم‌انگاری و تعریف و تعیین انواع پاسخ‌ها به رفتارهای مجرمانه که نشانه عبور از هنجارهای اجتماعی است را باید در سطح سیاست جنایی تقنینی یک کشور جستجو نمود. سیاست جنایی تقنینی گاه با تکیه بر عمل مجرمانه و گاهی با تکیه بر شخصیت مباشر جرم اقدام به جرم‌انگاری می‌نماید (مجیدی، ۱۳۹۶: ۱۷).

بی‌شک در برقراری ساختاری علمی از سیاست جنایی تقنینی در جامعه نقش‌آفرینی مقنن و نظام قانونی جاری پیش شرطی اساسی محسوب و مبادرت به جرم‌انگاری صحیح می‌تواند به عنوان یکی از ضمانت‌اجراه‌های صیانت از نظام ارزشی جامعه سطح هنجار ستیزی را در حد مناسبی کنترل و از گسترش ارتکاب جرم و افزایش انگیزه‌های جنایی ممانعت نماید (کونانی و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۰۰-۱۹۹). قانونگذار ایرانی با توجه به این امر و در نظر داشتن اصول انسانی و قواعد حقوق بشری از سال ۱۳۱۰ اقدام به جرم‌انگاری رفتارهای خلاف قانون مهاجران در زمینه ورود، اقامت و بزهکاری آنان نمود؛ گرچه این قوانین در گذر سال‌ها با اصلاحاتی بنا بر سیاست‌های اتخاذی و مقررات داخلی و بین‌المللی و بازتاب آن مواجه بوده است. یکی از ابعادی که سیر پردازش مهاجران را در وضع قوانین و در راستای جرم‌انگاری رفتارهای خلاف قانون با مشکل روبه‌رو ساخته است عدم وجود آمار کمی و کیفی حضور مهاجران در ایران است که با توجه به ورود غیرقانونی آنان از مبادی غیر رسمی و قاچاق، شاهرهای را در جهت عدم دسترسی به اطلاعات آنان فراهم آورده است (حقیقت طلب و چیت ساززاده، ۱۴۰۰: ۱۲). از مشکلات اساسی دیگر در حوزه جرم‌انگاری رفتارهای مجرمانه آنان، وجود داده‌های پراکنده از سوی سازمان‌هایی است که در زمینه امور

مهاجران فعالیت می‌نمایند. انسجام اطلاعات از سوی ارگان‌های مرتبط می‌تواند در شناسایی اشکال نوین بزهکاری و مصادیق احتمالی رفتارهای خلاف قانون آنان کمک مؤثری در انطباق عناوین مجرمانه و یا جرم‌انگاری در جهت جلوگیری از ارتکاب بزه بنماید.

۲-۲- مسئولیت کیفری

مسئولیت کیفری که الزام شخص به پاسخگویی آثار و نتایج جرم است به معنای قابلیت و اهلیت شخص در تحمل تبعات اعمال مجرمانه خود می‌باشد (پورقهرمانی و احدی، ۱۳۹۳: ۲۹). مسئولیت کیفری که حلقه ارتباطی میان جرم و مجازات است امری مقدم بر مجازات بوده و تا زمانی که احراز نشود مجازات، اعمال شدنی نیست (گلدوزیان و حسین جانی، ۱۳۸۴: ۱۳۰-۱۲۸). تحقق مسئولیت کیفری بر پایه وجود و احراز اهلیت جنایی و تقصیر استوار است و از آنجایی که تحقق جرم علاوه بر رکن مادی نیازمند رکن روانی است لذا در فرض وجود اهلیت جنایی مرتکب، رکن روانی نیز متصور خواهد بود (موسوی مجاب و محمدی، ۱۳۹۴: ۱۰۰). اهلیت جزایی که از دو عنصر ادراک و اختیار تشکیل شده است در حقوق جزا به معنای قدرت و توانایی بر درک و تمییز ماهیت رفتار، آثار، تبعات اخلاقی و اجتماعی که بر آنها بار می‌شود به کار رفته است؛ با این‌اوصاف، بزهکاری که فاقد ادراک و اختیار است مسئول اعمال خود نخواهد بود. در تعیین حد و مرز مسئولیت کیفری شروطی چون سن، عقل و اختیار مدخلیت دارند (اشرفی کیا و گهرنیا، ۱۳۹۷: ۱۳۰)؛ بنابراین مسئولیت کیفری حکایت از مسئولیت شخص در برابر جرایمی که با اراده و اختیار همراه است با فرض جمع بین عنصر مادی و معنوی داشته و جامعه را دچار خسران و ضرر و زیان می‌سازد (عوده، ۱۳۷۳: ۳۹۲/۱).

مسئولیت کیفری که الزام به پاسخگویی شخص نسبت به آثار رفتار مجرمانه خود است در مواد ۱۴۰، ۱۴۴ و ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ دارای شروطی

چون بلوغ، عقل و اختیار، علم، قصد و تقصیر می‌باشد؛ لذا هر شخصی از جمله مهاجران اگر در پهنه سرزمینی کشور مرتکب رفتارهای مجرمانه شوند بر طبق ماده ۳ قانون فوق الذکر، قوانین جزایی ایران بر آنان اعمال می‌گردد. بنابراین، مهاجران بزهکار در صورت انتساب جرم باید شرایط مسئولیت کیفری را دارا باشند تا قابلیت اعمال مجازات بر آنان فراهم گردد. این مهم به اقتضاء جهت‌یابی سیاسی کشور در قبال بزهکاری مهاجران به جهت بیگانه بودن در پادشاهت امنیت و نظم عمومی و ممانعت از تعرض اتباع بیگانه به هنجارها و ارزش‌های مورد تأیید جامعه و با اتکاء بر اصول دوم و سوم قانون اساسی، قوانین جزایی و اصول حاکم بر مسئولیت کیفری نظیر اصل شخصی بودن و فردی بودن مجازات، پیوسته مورد توجه سیاست جنایی تقنینی کشور بوده است تا با نگاه مسئولیت خواه در وضع قوانین در فرض وجود عناصر سازنده مسئولیت کیفری و احراز آمرانه و عامدانه بودن رفتار ارتكابی با رویکرد پیشگیرانه و توجه به ابعاد گوناگون جرم و بزه و نگرش جامعه‌شناسانه و روانکاوانه، زمینه را برای سیاست‌ها، اقدامات و راهکارهای قانونی مشخص به تفکیک مهاجران قانونی و غیر قانونی، کودکان و بزرگسالان فراهم نماید.

قانونگذار ایرانی از سال ۱۳۱۰ شمسی به مسئولیت کیفری مهاجرین بزهکار پرداخته است تا چنین مجرمینی به سهولت نتوانند از کارکردهای خلاف قانون خود که با اراده و اختیار انجام می‌دهند مصون بمانند و با فقدان جرم‌انگاری و شرایط سازنده مسئولیت کیفری بستر بی‌نظمی و ناامنی را در قلمرو سرزمینی کشور فراهم سازند. در بحث مهاجران نمی‌توان از اصول حاکم بر مسئولیت کیفری نظیر اصل شخصی بودن و فردی بودن مجازات، غافل بود؛ زیرا سیاست جنایی تقنینی بر پایه‌های صحیحی از منطقت عدالت حقوقی و انسانی با نگرشی جهانی استوار است تا بتواند توان هم‌نویسی با اقتضائات بین‌المللی و تحولات سیاسی و علوم مرتبط در جهت صیانت از مفهوم عدالت جمعی و انسانی را دارا باشد؛ از اینرو خط‌مشی ترسیمی سیاست‌گذاری

درخصوص بزهکاری مهاجران در وهله نخست، در مجازات و کیفری است که قانونگذار پس از احراز مسئولیت کیفری بر آنان اعمال می‌نماید تا از عواقب رفتار مجرمانه خود برخوردار گردند.

در ادامه ذکر این نکته حائز اهمیت است که متأسفانه در طرحی که در سال ۱۳۹۷ و سپس ۱۴۰۰ برای اصلاح مواد ۱۵ و ۱۶ قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه مصوب ۱۳۱۰ توسط جمعی از نمایندگان تهیه، تدوین و ارائه گردید در تبصره ماده ۱۶ آن مقرر شد که کمیسیون اتباع استانداری می‌تواند همسر و فرزندان تبعه اخراجی که مرتکب جرم شده است را از کشور اخراج نماید. تصویب چنین تبصره‌ای برخلاف آموزه‌های حقوقی و اصول انسانی و اصل شخصی بودن مجازات در مسئولیت کیفری و تعمیم مسئولیت کیفری به افراد فاقد مسئولیت می‌باشد؛ لذا شایسته است متولیان امر با آگاهی و مذاقه در این تبصره، پایه‌های عدالت تقنینی را دچار تزلزل ننمایند.

۲-۳- کیفرگذاری

کیفر پیوسته به مثابه قوی‌ترین پاسخ نظام عدالت کیفری درباره قانون شکنان مورد استفاده قرار گرفته است و هر نظام کیفرگذاری براساس مبانی فکری و فلسفی خود، هدف خاصی را جستجو می‌کند به گونه‌ای که اهداف مجازات، اشکال مجازات را ترسیم می‌نماید (جاوید مهر، ۱۴۰۰: ۳۹۲). کیفرنگاری و کیفیت نظام پاسخ دهی در برابر جرائم، توانمندی و یا ضعف نظام قانونگذاری در جامعه را در قالب سیاست جنایی نمایان می‌سازد. از دیدگاه جرم‌شناسی، ضمانت اجراها در روند سیر صعودی و یا نزولی نرخ جنایی در اجتماع نقش عمده‌ای ایفا می‌کنند؛ در این میان اگر پاسخ به پدیده جنایی هدفمند و با ملحوظ نظر داشتن بازدارندگی و سودمندی اجتماعی، وجهه‌ای انسان مدار داشته و بر محور مصلحت عمومی پایه‌ریزی شود خواهد توانست نقش اصلاح کننده داشته و بستر بسیاری از رفتارهای جنایی را محو نماید. بنابراین، مجازات زمانی توجیه علمی و جرم‌شناختی دارد که افزون بر زجر آور بودن، ترمیم مدار نیز باشد

و نظام پاسخگویی متناسب با شرایط و اقتضائات زمانی و مکانی مختلف، ماهیتی فعال و متغیر داشته و عندالقتضاء بتواند موقعیت تجدیدنظر در تدابیر اتخاذی را باز بگذارد (کونانی و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۰۱-۲۰۰-۹۵).

قوانین کیفری هرچند که از ضمانت اجرای قوی برخوردار هستند اما کیفرگذاری برای ثمربخش بودن باید تابع قواعد و اصول تقنینی به ویژه کارآمدی باشند. کارآمدی یک قانون بسترساز، تمکین جامعه به آن قانون است. از اینرو گرچه قوانین کیفری با تعیین مجازات برای هنجارشکنان سعی در التیام افکار عمومی و احقاق حقوق جامعه دارند و به عنوان ضمانت اجرا سبب ثبات هنجارهای رسمی می شوند اما هدف اصلی نقش پیشگیرانه و صیانت از ارزش‌های اساسی است (عقیق و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۱۳-۱۰۴).

با نگاهی به قوانین موجود می‌توان بکارگیری ابزارهای کیفری در نظام حقوقی ایران را در موضوع مهاجران به واسطه تعامل بایسته‌های قانونی، جرم‌شناسی و اصول بین‌المللی به درستی پایش نمود. این شیوه تقابل در سطح جهانی به عنوان سیاستی عامّ پذیرفته شده در گفتمان‌های جنایی در کیفرگذاری و وضع قوانین همواره مطرح بوده است. از اینرو در نظام حقوقی کشور از ابتدای قانونگذاری، با نگرشی جامع به پدیده مهاجرت و مهاجران نگریده شده و در مقوله ورود غیر قانونی، حضور اتباع بیگانه در خاک ایران و نوع برخورد قانونی با رفتارهای هنجارستیز آنان، تضمینات متعددی وضع گردیده که بخشی از آن به ضمانت اجرای کیفری در مقابله جرم و مجازات در موضوع کیفرگذاری باز می‌گردد. مجموعه قوانین موجود و اقدامات قانونی که تاکنون در ارتباط با بزهکاری مهاجران صورت پذیرفته است شامل این موارد می‌گردد: مواد ۲ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۶ قانون ورود و اقامت اتباع خارجه به ایران مصوب ۱۹ اردیبهشت ۱۳۱۰، ماده ۵ تصویب نامه هیأت وزیران راجع به اقامت اتباع بیگانه بدون گذرنامه مصوب ۱۳۱۹ و اصلاحات مربوط به آن، بخشنامه ۴۶۶۵۲ /

روبارویی با بزهکاری مهاجران در سیاست کیفری ایران؛ «داشته‌ها و بایسته‌ها» ————— ۲۹۶

۴۶۰۷۸ مورخ ۱۳۳۵/۹/۲۰ وزیر دادگستری، ماده ۱۳ قانون اصلاح ماده ۱۳ قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران مصوب ۲۹ فروردین ۱۳۳۶، مواد ۳۷، ۴۰، ۵۸ و ۶۰ آیین نامه مرزبانی کشور مصوب ۱۳۳۶ هیأت وزیران با اصلاحات بعدی، ماده ۱ قانون استرداد مجرمین مصوب ۱۳۳۹ کمیسیون مشترک دادگستری مجلسین، بخشنامه ۵۹۱۸/۷ مورخ ۱۳۵۱ وزیر دادگستری، ماده ۸ قانون اصلاح بعضی از مواد و الحاق دو تبصره به قانون ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران و مواد ۴ و تبصره ۵ آیین نامه اجرایی ورود و اقامت اتباع بیگانه مصوب ۱۲ خرداد ۱۳۵۲، بند ۳ و ۵ ماده ۱۵ قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران مصوب اردیبهشت ۱۳۱۰ و اصلاحات بعدی و اصلاحی مصوب ۱۳۶۷، ماده ۹ قانون بکارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب دیماه ۱۳۷۳ (در مورد ورود و خروج از مرزهای غیرمجاز)، مواد ۳ و ۳۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تبصره ۲ ماده ۲۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اصلاحی مورخ ۱۳۹۴، ماده ۲۳ اصلاحی مورخ ۱۳۹۹ قانون مجازات اسلامی و ...؛ همچنین اقدامات و سیاست های دولت ایران در حوزه بزهکاری مهاجران به ویژه امضای معاهده تبادل مجرمین و محکومان.

راهبرد نظام حقوقی ایران نسبت به مهاجران با توجه به قوانین وضع شده و اصلاحات بعدی بنا به مصالح عمومی و اعمال حاکمیت در اقتدار ملی دارای رویکردی امنیتی بوده و در مسیر رفع بازتاب‌ها و پیامدهای ناشی از بزهکاری مهاجران ریل‌گذاری گردیده است.

شایان ذکر است که سیاست جنایی تقنینی در حوزه کیفرگذاری بر پایه اصول و معیارهای ارزشی گاه تکیه بر عمل مجرمانه و گاه بر شخصیت مرتکب و مباشر جرم دارد و این امر، نشان از وابستگی سیاست جنایی تقنینی به نظام سیاسی هر کشور است. سیاست جنایی ایران با اتکاء بر قوانین و مقررات داخلی در مقابله با جرایم اتباع بیگانه اعم از

جرایم خاص آنها شامل ورود و اقامت غیر مجاز و دیگر جرایم عمومی آنها فارغ از میزان کمیّت و کیفیت آنها با چالش‌های متعدّدی ناشی از قوانین و مقرّرات داخلی و بین‌المللی و بازتاب رفتار کیفری خود در نگاه بین‌المللی مواجه است (مجیدی، ۱۳۹۶: ۱۷۴).

محوریت این چالش‌ها بر مؤلفه شاخص شخصیت بزهکار به عنوان بیگانگانی مستقرّ در پهنه سرزمینی کشور استوار است که انعکاس پاسخ به رفتارهای هنجارستیزانه آنان در قالب قوانین در ابعاد ملی و فراملی پیامدهای متفاوتی در پی دارد؛ لذا سیاست جنایی تقنینی ایران در بحث کیفرگذاری براساس خط‌مشی انعطاف‌پذیر و راهبردی اساسی در حوزه مهاجران و امنیت، با جرم‌انگاری و تعیین مجازات و کیفرهای هم‌سو با نگرش بر شخصیت مهاجران در ارتکاب جرایم به رویارویی با این پدیده پرداخته و جنبه پیشگیری و واکنشی را با الزام مهاجران به تمکین به قوانین به روشنی ترسیم نموده است.

۳- بایسته‌های سیاست کیفری ایران در رویارویی با بزهکاری مهاجران

سیاست کیفری^۱ در زمینه اعمال مجرمانه مهاجران که گاهی از همان ابتدا با ورود غیر قانونی و سپس اقامت غیر قانونی و یا ارتکاب جرایم آغاز شده و امنیت اجتماعی و روانی کشور را مورد خدشه قرار می‌دهند همواره با چالش‌هایی نظیر توجه به علل مهاجرت، علل ارتکاب جرایم از ابعاد گوناگون و آسیب‌شناسی بزهکاری آنان و جنبه‌های پیشگیرانه قوانین و مقرّرات و نگرش بر آموزه‌های بین‌المللی مواجه بوده است. آن چه مسلم است سیاست‌گذاری کیفری از سال ۱۳۱۰ تا به امروز، با وجود حضور مهاجران در زندان‌های کشور و طرد مهاجران غیرمجاز بیشمار از مرزها نتوانسته آنچنان که باید نقش پیشگیرانه و آسیب‌شناسانه خود را به خوبی ایفا نماید؛ بنابراین توجه به بایسته‌های

۱. برای آشنایی با مفهوم سیاست کیفری مراجعه کنید به: الهی و دیگران، ۱۴۰۰: ۴۱-۴۲.

کیفرگذاری از منظر آسیب شناسانه، بین‌المللی و افتراقی باید در سیاست‌های کلان کشور در زمینه تدوین قوانین کیفری مورد توجه سیاستگذاران قرار بگیرد که در ادامه به این مقوله پرداخته می‌شود.^۱

۳-۱- اتخاذ سیاست کیفری آسیب شناسانه

به اذعان برخی از جرم‌شناسان، بزهکاران، مولد شرایط نابهنجار حاکم بر جامعه و اجتماعات انسانی بوده و بر این اساس، تحقق جرم و بزه را باید در اجتماع و محیط پیرامون آن و آسیب‌های ناشی از آن دانست (کی‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۴). هدف از آسیب‌شناسی در حیطه بزهکاری، ارائه راه‌حل‌هایی برای نظام‌مند ساختن و توانمندسازی نوع سیاست کیفری است. به نظر می‌رسد مؤلفه‌هایی چون فقدان انسجام مقررات، مقطعی، عوام‌گرایی و عدم توسل به مطالعات علمی از جمله آسیب‌های سیاست کیفری در مبارزه با جرایم باشد (باوی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۲-۱۱).

با نگرشی بر سوابق تقنینی مشخص می‌گردد که تشویش قانونگذار بیش از آن که برنامه‌ریزی بلندمدت به منظور اصلاح و درمان بزهکاران و پیشگیری از وقوع جرم از طریق بهبود بسترهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی باشد بر کیفرنگاری و پاسخ فوری به پدیده مجرمانه تأکید دارد که پیامد چنین قانونگذاری، قربانی شدن افراد به دلیل سیاست‌های تقنینی ناکارآمد است. در واقع، دولت با تمسک به استراتژی غیرخودی دانستن بزهکاران، در تلاش است تا آمار جرایم را نه با تغییر و اصلاح مرتکبان و یا بهبود بسترهای اجتماعی، بلکه با حذف و طرد مجرمان کاهش دهد. از اینرو سازوکار طرد و ناتوان‌سازی مجرمان را با تحمیل شتابزده برخی از مجازات‌ها نمایان می‌سازد که هدف آن پاک‌سازی ناخواسته‌ها است؛ نه اجرای عدالت (آقاجانی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۹۰-۱۸۹) در حالی که نظارت سازمان یافته و هدفمند با توسل به رویکردهای متناسب، یکی از ضرورت‌های تکلیفی سیستم عدالت کیفری است که در آن مسلماً توجه به شخصیت

۱. در خصوص اهداف سیاست کیفری مراجعه کنید به: کوشکی، ۱۴۰۰: ۳۵۲ به بعد.

مجرم و جرم ارتكابی، از عوامل اساسی در تبیین نوع نظارت بر بزهدکار خواهند بود (حسن‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۲: ۹۹). امروزه پیوستن داده‌های روان‌شناختی و جرم‌شناختی سبب گردیده که فراتر از اصل شخصی بودن کیفرها، زمینه شکل‌گیری اصل فردی بودن مجازات فراهم آید؛ لذا تمایل کیفرها به تناسب یافتن با شخصیت مجرمان موجب کارکرد بازپرورانه یا پیشگیرانه کیفرها در کنار کارکرد سنتی سرکوبگرانه شده است. همگام با چنین تحوّل، جرم از مفهومی اخلاقی یا روان‌شناختی پا فراتر نهاد و به عنوان پدیده‌ای اجتماعی شناسایی شد. توجّه به ابعاد اجتماعی پیدایش، گسترش و حرکت جرم در جامعه از یک سو، و مطالعه تدابیر کنترلی و واکنش‌های گوناگون جامعه از نهادهای رسمی و غیر رسمی از سوی دیگر، زمینه جدیدی را در مطالعه پدیده جنایی و سامان‌دهی پاسخ به آن گشود (محمدی، ۱۳۸۳: ۹). حضور اتباع بیگانه در کشور، خود به تنهایی به سبب عدم آشنایی با مقررات و قوانین، ناهمگونی اجتماعی و فرهنگی، اختلافات زیستی و روانی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر موقعیت‌های پیش‌جنایی است و در پی ارتكاب جرم از سوی آنان آسیب‌ها و تهدیدهای پیامدی آن به جهت بیگانه بودن، برجستگی و نمود بیشتری داشته و حسّاسیت مضاعفی را برمی‌انگیزد. از اینرو سیاست‌گذاری کیفری همچنان که از قوانین جزایی اصداری در حوزه بزهدکاری مهاجران برمی‌آید سازوکاری اربعابی و توانگیر دارد و مراتب بازدارندگی و پیشگیری در دامنه کیفرگذاری کمتر به چشم می‌خورد.

سیاست کیفری ایران در حوزه جرایم مهاجران بدون توجّه به علل ارتكاب جرایم و نگاه جرم‌شناختی به آن با دیدگاهی امنیّت‌مدار، به اتخاذ سیاستی مبتنی بر نظم و قانون دست زده و با اعمال پیش‌فرض‌های حاکمیتی در پاسداشت امنیّت در تمام سطوح داخلی، خود را ناچار به چنین کیفرگذاری با نگاهی به آموزه‌های بین‌المللی دانسته است.

الگوی امنیت‌گرایی در حقوق کیفری نشان می‌دهد که بزهکارانی که عمدتاً قربانی شرایط اجتماعی نامناسب پیرامون خود هستند دیگر بار قربانی سیاست‌های کیفری نادرست حاکمیت می‌شوند. در واقع، دولت با تمسک به استراتژی غیرخودی دانستن بزهکاران تلاش دارد تا نرخ جرم را نه با تغییر و اصلاح مرتکبان یا بهبود بسترهای اجتماعی، بلکه با حذف و طرد بزهکاران کاهش دهد (آقاجانی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۸۹-۱۸۸).

یکی از ویژگی‌های کلیدی و بنیادی مهاجرت‌های بین‌المللی، سیاست‌گذاری داده‌محور است که مبتنی بر آمار و داده‌های متقن و مستند مهاجران بر پایه اصول آسیب‌های اجتماعی با نگرش بر جرم‌شناسی است. استناد بر داده‌های قابل اتکاء، نه تنها باعث تقویت و استحکام سیاست‌های اعمالی در حوزه‌های مهاجرت اتباع بیگانه به کشور می‌شود بلکه پایه سنجش اثربخشی‌ها در حوزه‌های مختلف سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی کشورها (مهاجرفرست و مهاجرپذیر) براساس شاخص‌های کمی و کیفی می‌گردد (صلواتی، ۱۳۹۹: ۱).

یکی از آسیب‌ها و کاستی‌های اساسی در نظام حقوقی کیفری و آماری ایران با وجود چهار دهه مهاجرپذیری و فرایند رو به گسترش آن و با توجه به رویکرد نامتوازن و بعضاً ناهماهنگ دستگاه‌ها و سازمان‌های ذیربط در امور مهاجران، فقدان ارائه گزارش‌های آماری و اطلاعات مدون در خصوص بزهکاری مهاجران و آسیب‌های تأثیرگذار در حوزه جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی به لحاظ توجه آن در ابعاد امنیتی موضوع است که خود سبب پیدایش چالش جدی در سیاست‌گذاری کیفری و برنامه‌ریزی‌های اساسی در حوزه‌های آسیب‌شناسانه از جمله برنامه‌پیشگیری و چارچوب‌سازی شیوه‌های مقابله با بزه‌انتسابی به مهاجران و کارکردهای اجرایی سیاست جنایی گردیده است و این در حالی است که طبق بند ۲ ماده ۵ قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴، دریافت آمار و اطلاعات از دستگاه‌ها و نهادهای ذیربط و بررسی

آسیب‌شناسانه مسأله جهت تجزیه و تحلیل آن در امر پیشگیری حائز اهمیت و ضروری است. از اینرو قانونگذاری در سطوح ملی با نگرش بر بازتاب آن در ابعاد فراملی با توجه به اهمیت موضوع مهاجران از منظر حقوق بین‌الملل و تأثیر بر افکار عمومی در داخل باید با تبیین وضعیت موجود و آمار دقیق گستره جرایم ارتكابی از سوی مهاجران، مؤلفه‌های شخصیتی، خاستگاهی، نوع جرایم ارتكابی، نوآوری‌های علمی، متنوع نمودن پاسخ‌ها به کیفری و غیر کیفری، هماهنگی نهادهای مرتبط در امر پیشگیری سیاست کیفری افتراقی با نگاهی فراموضوعی و آسیب‌شناسانه به چاره‌اندیشی در مهار و کنترل بزهکاری مهاجران پردازد.

۳-۲- اتخاذ سیاست کیفری بین‌المللی

تنظیم قواعد حاکم بر اتباع بیگانه، حق و تکلیف کشورهاست و قواعدی که اینگونه وضع می‌شوند طبیعتاً عام و شامل همه بیگانگان است. با بزهکاری و رفتارهای خلاف قانون مهاجران کشورها با توسل به اصول حاکم بر حقوق جزای بین‌المللی و حقوق کیفری خود، تبعه بیگانه را تعقیب و محاکمه می‌کنند. افزون بر این، کشورها در تعقیب جنایات بین‌المللی و همسو با اقدامات دیوان کیفری بین‌المللی و قواعد اساسنامه رم ممکن است با رعایت اصل صلاحیت تکمیلی دیوان نسبت به تعقیب شهروندان خارجی به اعتبار ارتكاب جرایم بین‌المللی مبادرت نمایند (جاویدزاده و حمیدزاده سنگاچین، ۱۳۹۶: ۸۷).

با توجه به ضعف ذاتی عدالت کیفری موجود در ساحت نظام حقوقی دولت‌ها بدون در نظر داشتن اصول حقوق بشر و این که بزهکاری مهاجران با قدرت تأثیرگذاری فراملی و جهانی آن به عنوان یکی از موضوعات اساسی حقوق بین‌الملل مطرح بوده و دولت‌ها در خصوص آنان با اعمال سیاست‌های حقوق بین‌المللی و احراز جنبه‌های مسئولیت و حمایت در حوزه پیشگیری در راستای حاکمیت دولت‌ها (حسینی اکبرنژاد، ۱۳۸۸: ۱۱۳) به تصویب اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای قادر خواهند بود تا ظرفیت

های حقوقی ویژه‌ای در چارچوب هماهنگ‌سازی جرم‌انگاری، کیفرگذاری و سیاست های کیفری در تصویب و ارتقاء سطح همکاری ایجاد نمایند. رویکرد پیشگیرانه در مقابله با بزهکاری مهاجران با ماهیت جهان‌شمولی آن باید به عنوان یک نظام عینی و ضرورت‌گریز ناپذیر و نیز یک راهبرد اساسی در نوع‌نگرش به مهاجران و سیاست‌های افتراقی حاکم بر آنان به رسمیت شناخته شده و مورد نظر سیاست‌گذاران جنایی قرار گیرد. وحدت و انسجام نظام عدالت کیفری ایران به عنوان یک نظام حقوقی داخلی به تنهایی قادر نخواهد بود تا در برابر اعمال مجرمانه مهاجران در عرصه منطقه‌ای، جهانی و داخلی کارساز باشد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۹: ۱۶) از اینرو دولت‌ها به همراه فعالان حقوق بین‌الملل با توجه به سیاست‌های کیفری بین‌المللی و موازین و اصول حقوق بشر با اتخاذ تدابیری در حقوق بین‌المللی به دنبال محو اعمال مجرمانه و کنترل بزهکاری مهاجران می‌باشند (حسینی اکبرنژاد، ۱۳۸۸: ۱۱۴).

از سویی، برخلاف سیاست‌های حاکم در حوزه امور مهاجران در ایران، در نظام‌های پیشرو وجود آمار و ارقام بزهکاری مهاجران به شکلی نمایان ارائه می‌شود که نشانگر اراده جدی سیاست‌گذاران کیفری در مهار پدیده مجرمانه مهاجرانی است که با ارتکاب جرایم پیامدهای منفی را در جامعه مقصد رقم می‌زنند و طبیعی است که با انعکاس این آمار به مجامع بین‌المللی به همراه وضعیت کلی از شخص مهاجر و محیط پیرامون وی و تعاملات بزهکار در تکوین یک سیاست‌گذاری آسیب‌شناسانه و پیشگیرانه با مشارکت کشورهای عضو همّت می‌گمارند، در حالی که در ایران با وجود قانونگذاری با قدمتی ۹۰ ساله در این موضوع همچنان با نواقصی اساسی در بعد کیفرگذاری پیشگیرانه و آسیب‌شناسانه به دلیل عدم انسجام نهادهای ذیربط، امنیتی قلمداد شدن و عدم ارائه آمار و عدم توجه کافی به توصیه‌ها و قواعد بین‌الملل، از اثربخشی، بازخورد و کارایی لازم برخوردار نیست. بدین جهت، تدوین یک سیاست جنایی پیشگیرانه با نگرش بر سیاست فعال حقوق بین‌الملل و دیوان بین‌المللی کیفری حائز اهمیت است، زیرا با اشراف و اخذ سیاست‌های جامع و

فراگیر می‌توان زمینه‌های گرایش به بزهکاری را با برنامه منسجم و یکپارچه و سازوکارهای جهانی و ملی سیاست کیفری کنترل و با راهبردهای اصولی منطقه‌ای و جهانی ریشه بحران‌زا را مهار و با نگرش بر پایه اصول انسانی و حقوق بشری جرم را کاهش و یا ریشه کن نمود.

۳-۳- اتخاذ سیاست کیفری افتراقی

قوانین کیفری در کنار نقش پیشگیرانه‌ای که در چارچوب بازدارندگی فردی و جمعی ایفا می‌نمایند پیوسته در بازه زمانی ۹۰ ساله در کشور، نگرش ویژه‌ای به موضوع مهاجران از رهگذر اقدام‌های بازدارنده و کیفری و پیشگیرانه با توجه به وضعیت خاص آنان به عنوان بیگانگانی ساکن در پهنه سرزمینی کشور ایران داشته است. این رویکرد در سیر تحولات قانونگذاری و اصلاحات قوانین همسو با نگرش‌های حقوق بشری و دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی قابل مشاهده است. فلسفه حقوقی در حیطه واکنش‌های قانونی ناشی از کنش رفتاری مهاجران بزهکار افرون بر جنبه اخلاقی و اصلاحی مکافات عمل بزهکارانه و تنبّه آنان در جهت پیشگیری از جرم و تکرار آن، فرصتی را برای نجات از جهان بزه و تبهکاری فراهم می‌سازد که این کارکرد با پیدایی و گسترش دانش جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی و روانشناسی و شاخه‌های فرعی آنان و همگامی با تحقیقات و مطالعات علمی پیرامون جرم و مجازات به عنوان ابزاری سازگار و سازنده در دستور کار حقوقدانان و به تبع آن قانونگذاران قرار گرفته است. بر مبنای سیاست‌های کیفری افتراقی و سیاستگذاری جدی و جهت مند در نوع نگرش به پدیده مهاجران و توجه هرچه بیشتر به حقوق و وظایف حاکم بر آنان و انتظام بخشی به قوانین موجود و تقنین در راستای نگرش بر راهبردها و خط‌مشی پیش‌رو است که در متن ماده ۱۸۰ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به منظور ایجاد تمرکز در سیاستگذاری امور اتباع خارجی شامل آواره، پناهنده مهاجر و اتباع خارجی دارای گذرنامه در زمینه‌هایی چون ورود، اسکان، اخراج، اشتغال، آموزش، بهداشت و درمان و روابط بین‌الملل،

شورایی با عنوان شورای هماهنگی اجرایی اتباع بیگانه به ریاست وزیر کشور و عضویت وزیران آموزش و پرورش، اطلاعات، امور خارجه، کار و امور اجتماعی، بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، فرماندهی نیروی انتظامی و رئیس جمعیت هلال احمر تشکیل و تصمیمات آنان در شورای یاد شده پس از تأیید هیات وزیران قابلیت اجرا خواهد داشت. گفتنی است آئین‌نامه اجرایی این ماده قانونی نیز در سال ۱۳۷۹ به تصویب رسیده و متن ماده ۱۸۰ قانون برنامه سوم توسعه در ماده ۱۲۹ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مجدداً تنفیذ و اجرایی گردید که کلیه سیاستگذاری‌ها را در این بخش مورد توجه ویژه قرار داده و علاوه بر نگاه مجلس قانونگذاری کشور بر لوایح و طرح‌ها درخصوص مهاجران، این شورا در سیاست‌ها و اقدام‌های اجرایی، نقش فعال و اثرگذاری را عملیاتی خواهند نمود و سیاست‌های جنایی تقنینی نیز در محور نگاه مجلس و شورای یاد شده جزئی از سیاست‌های جهت مند در همین حوزه است.

از آنجا که سیاست جنایی تقنینی به جهت وابستگی به نظام سیاسی هر کشور، جزء نخستین لایه‌های سیاست جنایی شمرده شده و مبنای عملکرد قضاوت محاکم در ابعاد اجرایی آن است از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد (مندنی: ۱۳۹۴: ۹۲) افزون بر سیاستگذاری‌ها و رابطه آن با وضع قوانین مربوطه از این حیث که قانونگذاری، مهم‌ترین و حساس‌ترین مرحله از مراحل سیاستگذاری‌های جنایی و غیرجنایی، محسوب شده و چه بسا نقاط قوت و ضعف آن در بازه‌های زمانی کوتاه و بلند مدت می‌تواند تجربیات مثبت و یا نگران‌کننده‌ای را در نظام حقوقی و اصلاحات و تغییرات اساسی آن به دنبال داشته باشد، بر این اساس وجود موازنه‌ای از حضور اجزاء قدرتمند نظام اجتماعی در مرحله قانونگذاری، از شروط قطعی تعالی و موفقیت فرایند سیاستگذاری جنایی به طور اخص و سیاستگذاری عمومی به طور اعم در حال و آینده خواهد بود (کونانی و دیگران، ۱۳۹۴: ۷۲). سیاست کشور از تشکیل شورای هماهنگی اتباع بیگانه به ریاست

وزیر کشور و عضویت اعضای مربوطه که از صدر ارکان و قوای حاکمیت تا ذیل آنها در آن حضور دارند محملی بر تعادل حضور پیکره قدرت‌های نظام اجتماعی و مشارکتی آنان در مرحله قانونگذاری و اجرای سیاست‌های حاکم در ابعاد مختلف امور مهاجران است که نیازمند تشریک مساعی در نگرش ضابطه‌مند بر سیاست‌ها و قوانین موضوعه موجود و بسط آن در هماهنگی با نظام بین‌الملل، مسائل روز و سیاست‌های حاکمیتی در جهت کنترل و پیشگیری از بزهکاری مهاجران است.

سیاست جنایی از زمان پیدایش انگاره‌های آن در ادبیات نظریه پردازان به نوعی تدوین خط‌مشی و اصول کلی راهبردی در مهار و واکنش سنجیده به جرم، به همراه استفاده از ابزارهای متناسب در شرایط خاص گفته شده است که پیوسته متأثر از تئوری‌های گوناگون برخاسته از بنیادهای فکری دستخوش تغییر و تحول اساسی قرار گرفته است. از زمان ورود مفهوم مضیق سیاست کیفری به علوم جنایی توسط فون‌رباخ آلمانی در سال ۱۸۰۳، عدالت کیفری، چاره‌اندیشی در خصوص معضل جرم را در بکارگیری اقدامات سنجیده و هدفمند مورد توجه قرار داد. بر این اساس، مقاصد متوکیان سیاست جنایی در سیر تحولات آن براساس نحوه پاسخ‌دهی به جرم و سپس بکارگیری ابزار متناسب با اوضاع پیش آمده تنظیم گردید. امروزه گفته می‌شود اگر تمرکز بر موضوعی خاص در جهت مقابله با جرم قرار بگیرد اصول اصلی و راهبردی سیاست جنایی نیز بر مبنای شکل‌دهی عملی به آن تغییر خواهند یافت و در بطن سیاست جنایی تغییراتی بنیادین ایجاد خواهد شد (قناد و اکبری، ۱۳۹۶: ۴۰).

توجیه رسیدگی افتراقی عموماً یا بر پایه تهدید جرم استوار است و یا خطر مرتکب. گزینش هر یک از این سنجه‌ها قابلیت تعیین سازوکارهای افتراقی را فراهم می‌آورد. در معیار مرتکب جرم، ملاحظه جایگاه، وضعیت و ویژگی مرتکب جرم، پیامد جرم و آثار متعدد آن بر جامعه به عنوان توجیهی در رسیدگی افتراقی لحاظ می‌شود (آیت و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۴۳-۲۳۹).

سیاست افتراقی در قوانین به شکل جرم انگاری خاص در قلمرو حقوق کیفری متجلی می‌گردد، زیرا حقوق کیفری به عنوانه بازتابی از ارزش‌های بنیادین حاکم بر جامعه، افزون بر نقش آموزشی و فرهنگی که در سرزنش بعضی از رفتارها دارد می‌تواند به مانند عاملی بازدارنده و پیشگیرانه در ارتکاب برخی رفتارها نمایان شود (جعفری، ۱۳۹۹: ۷۵).

با نگاهی گذرا به قوانین و آیین‌نامه‌های مصوب و مقررات موجود در خصوص بزهکاری مهاجران و واکاوی مبانی سیاست جنایی تقنینی ایران در مجازات‌ها و بازدارندگی از بزهکاری مهاجران می‌توان علاوه بر پایش مبانی حاکم بر این سیاست‌ها و اصول راهبردی و خط‌مشی حاکم بر آن به دغدغه قانونگذاران در مهار پدیده بزهکاری مهاجران به اقتضای مصالح و منافع جامعه و خطر مرتکب جرم از نگاه سیاست افتراقی دست یافت.

توجه سیاست‌گذاری افتراقی در این زمینه عمدتاً ناشی از ارتباط تنگاتنگ مخاطرات ارتکاب جرم از سوی مهاجران با امنیت ملی است. اگرچه از لحاظ ساختاری و شکلی ممکن است جرایم آنان تفاوت قابل توجهی با جرایم ارتكابی از سوی شهروندان کشور نداشته باشد اما به دلیل محوریت تهدید بالقوه در تمامی ابعاد امنیت داخلی می‌تواند جلوه‌هایی از خشونت و خطرناکی را در خود جای دهد؛ لذا سیاست کیفری به وضع قوانینی می‌پردازد که گاه در تعارض با کرامت انسانی است. علیرغم نقش قوانین موضوعه کنونی در جهت‌دهی سیاست‌های تقنینی در حوزه امور کیفری و جنایی، خطوط راهبردی و خط‌مشی‌ها، قوانین موجود نتوانسته است آنچنان که باید در پیشگیری از جرایم و بزه مهاجران توفیقاتی اساسی را کسب نماید. این امر با توجه به پراکندگی قوانین، بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌ها و نیز حضور ارگان‌های متفاوت با ساختارهای مستقل، به ویژه، نهادهای امنیتی که بر عمق تحقیقات و مطالعات آماری در حوزه بزهکاری مهاجران نظارت و آن را بر نمی‌تابند ورود به حوزه نظام حقوقی تقنینی و تدوین قوانین

مقتضی امری سنگین و در مواردی محال می‌نماید. نمونه‌ای از ناکارآمدی این قوانین در قلمرو حاکمیت کشور ایران به ویژه پس از استیلاي گروه طالبان بر کشور افغانستان، با حضور پر شمار افغانی‌های مهاجر و ارتکاب اعمال مجرمانه توسط برخی از آنان قابل مشاهده است.

تنها راهکار و راهبرد اساسی در این موضوع، تغییرات بنیادینی است که باید در سیاست جنایی افتراقی برگرفته از سیاست‌های عمومی صورت بگیرد تا در بزهکاری مهاجران بنا بر گستره خطرناکی جرایم ارتكابی، وضعیت خاص آنان و تبعات اعمال مجرمانه در کشور به کنترل حداکثری نائل شوند و علاوه بر آن، به منظور دستیابی به جرم‌انگاری رفتارهای خلاف قانون و پیشگیری از وقوع جرایم در جهت تحقق یک نظام پیوسته حقوق تقنینی علاوه بر سیاست جنایی افتراقی، ایجاد رویه‌ای مشخص در هماهنگی ارگان‌ها و سازمان‌های مرتبط با لحاظ احترام به اصول حقوق بشر و توجه به کنوانسیون‌های بین‌المللی در سنجش بیگانگانی که سرزمین ایران را جهت اقامت کوتاه مدت و یا بلند مدت برمی‌گزینند از اهمیت به سزایی برخوردار است.

نتیجه‌گیری

بزهکاری مهاجران که در قالب ترک وظیفه قانونی و با رفتارهای هنجارشکنانه به وقوع می‌پیوندد همچون سایر پدیده‌های اجتماعی مرتبط با شخص و تعاملات با محیط پیرامون است و طیف وسیعی از جرایم را شامل می‌شود که بازتاب آن در سطح ملی و فراملی با بازخوردهای امنیتی به جهت تبعه خارجی بودن، اثرات عمیقی بر جامعه میزبان بر جای می‌گذارد. سیاست‌گذاری کیفری ایران در قالب خطر مرتکب جرم در مورد بزهکاری مهاجران در راستای کارکردی عدالت محور بر مبنای قواعد حاکم بر نظام حقوق بین‌الملل همانند دیگر دولت‌های پیشرفته از سال ۱۳۱۰ خورشیدی به جرم‌انگاری رفتارهای مجرمانه اتباع بیگانه، مهاجران و پناهندگان پرداخته است تا بر پایه ضابطه‌ای

منظم آنان را به جهت حفظ امنیت ملی و داخلی و حدود و ثغور مرزهای سرزمینی در شمول کنترل و پایش خویش قرار دهد. اما راهبرد نظام حقوقی ایران نسبت به مهاجران با توجه به قوانین وضع شده و اصلاحات بعدی بنا به مصالح عمومی و در راستای اعمال حاکمیت در اقتدار ملی دارای رویکردی امنیتی بوده و در مسیر رفع بازتاب‌ها و پیامدهای ناشی از آن ریل‌گذاری گردیده است؛ در حالی که ثمربخش بودن کیفرگذاری، افزون بر پیروی از قواعد و اصول تقنینی، نیازمند کارآمدی نیز هست؛ بدین جهت با مذاقه در قوانین موجود دریافت می‌شود که کیفرگذاری آنچنان که باید نتوانسته در پیشگیری از جرایم مهاجران، توفیقاتی اساسی کسب نماید. این امر با توجه به پراکندگی قوانین، بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌ها و نیز حضور ارگان‌ها و نهادهای متفاوت با ساختار مستقل، ورود به حوزه نظام حقوق تقنینی و تدوین قوانین مقتضی امری سنگین و در مواردی محال می‌نماید. از اینرو اگر بنا بر کیفرگذاری صحیح در قالب تصویب قانونی جامع و فراتر در مبارزه با بزهکاری مهاجران باشد الویت را باید به یکپارچه‌سازی نهادهای مرتبط مداخله‌گر در امر بزهکاری مهاجران داد و سپس با نگاهی آسیب‌شناسانه و با نگرش بر اصول و قواعد حاکم بر حقوق بین‌الملل و پاسداشت اصول حقوق بشر، با اتخاذ سیاست جنایی افتراقی در بزهکاری مهاجران، به نقش پیشگیرانه قوانین و صیانت از هنجارهای اساسی اهتمام نمود.

منابع

- آقاجانی، مهدی؛ میرخلیلی، سید محمود؛ حاجی‌ده‌آبادی، احمد (۱۴۰۰)، **آسیب‌شناسی سیاست کیفری ایران در پرتو نظریه قوچ قربانی**، نشریه مطالعات حقوقی معاصر، ۲۳، ۱۸۵-۲۱۰.
- آیتی، علیرضا؛ پاکزاد، بتول؛ عالی‌پور، حسن؛ صابر، محمود (۱۳۹۸)، **توجیه رسیدگی افتراقی برای جرایم اقتصادی: تهدید جرم یا خطر مرتکب؟**، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۲۸، ۲۶۷-۲۳۹.

۳۰۹ _____ مطالعات فقه و حقوق اسلامی - سال ۱۴ - شماره ۲۹ - زمستان ۱۴۰۱

- اردبیلی، محمدعلی؛ امیر ارجمند، اردشیر؛ قاری سید فاطمی، سید محمد؛ جاوید، محمدجواد (۱۳۸۶)،
افتراح: چستی و چرایی حقوق شهروندی از نظریه قانون، مجله حقوقی دادگستری، ۵۸،
۲۴-۴۶.

- اشرفی کیا، محسن؛ گهرنیا، محمدتقی (۱۳۹۷)، **تعیین آثار مسئولیت کیفری بزرگسالان،
نوجوانان و اطفال در پرتو داده‌های جرم‌شناسی از دیدگاه جامعه‌شناسی کیفری**، مجله
مطالعات جامعه‌شناسی، ۴۱، ۱۲۵-۱۵۰.

- اکبری، سید حامد (۱۳۹۰)، **متن قوانین اساسی کشورهای جهان به همراه اسناد مهم
بین‌المللی**، شیراز: نوید شیراز.

- الهی، محمدعلی؛ حیدری، محمدعلی؛ شکرچی زاده، محسن (۱۴۰۰)، **سیاست جنائی پیشگیرانه
ناظر بر جرائم جنسی در فقه اسلامی**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۲۴، ۳۹-۶۶.

- باوی، علیرضا؛ گلدوست جویباری، رجب؛ غلامی، حسین (۱۳۹۹)، **آسیب‌شناسی سیاست
کیفری ایران در حوزه جرایم اقتصادی**، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۴۳، ۱۱-
۳۲.

- پرویزی، جمشید (۱۳۹۴)، **سیاست مهاجرت و پناهندگی اتحادیه اروپا و مسئله حقوق بشر**،
تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه.

- پورقهرمانی، بابک؛ احدی، فاطمه (۱۳۹۳)، **مسئولیت کیفری اطفال در سیاست قانون
مجازات اسلامی ۱۳۹۲ (از سیاست تفریطی تا سیاست افراطی)**، فصلنامه فقه و مبانی حقوق
اسلامی، ۲۱، ۲۷-۴۸.

- جاوید مهر، مسیب؛ قاسمی، مسعود؛ وروایی، اکبر (۱۴۰۰)، **کیفرگذاری مبتنی بر مصلحت در
مجازات‌های تعزیری**، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۳، ۷۷۷-۷۹۳.

- جاویدزاده، حمیدرضا؛ حمیدزاده سنگاچین، زهره (۱۳۹۶)، **حقوق خاص متهم تبعه خارجی در
حقوق کیفری ایران با تاکید بر برخی اسناد بین‌المللی**، مجله قانون و کلای دادگستری
اردبیل، ۳ و ۴، ۸۷-۱۰۸.

- جعفری، بهرام (۱۳۹۹)، **جلوه‌های سیاست افتراقی کیفری در قبال کودکان بزه‌دیده با
نگاهی به قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹**، فصلنامه حقوق کودک، ۶، ۶۷-

روبارویی با بزهکاری مهاجران در سیاست کیفری ایران؛ «داشته‌ها و بایسته‌ها» ————— ۳۱۰

- حاتمی، مهدی؛ ساعدی، بهمن؛ شهسواری، احسان (۱۳۹۴)، وضعیت حقوقی بیگانگان در ایران در پرتو انسانی شدن حقوق بین‌الملل، ش ۲۶، ۱۵۱-۱۷۰.

- حاجیان، حسین؛ صالحی، ابوالفضل (۱۳۹۶)، رابطه تابعیت بیگانگان و حقوق شهروندی ناشی از آن، فصلنامه مطالعات حقوق شهروندی، ۴، ۱۰۷-۱۳۴.

- حسینی اکبرنژاد، هاله (۱۳۸۸)، صلاحیت تکمیلی دیوان بین‌المللی کیفری: پویایی نظام‌های قضایی ملی در مقابله با بی‌کیفری، مجله حقوق بین‌المللی، ۴۱، ۱۱۱-۱۴۲.

- حقیقت‌طلب، پیمان؛ جیت ساززاده، امیرحسین (۱۴۰۰)، زیست مهاجران غیرقانونی در ایران: بررسی چالش‌ها و ارائه راهکار»، تهران: کتاب راهبرد.

- رزمخواه، ساناز؛ پاکزاد، بتول؛ احقر، قدسی (۱۳۹۲)، رابطه سلامت روانی و نگرش به بزهکاری در نوجوانان و جوانان در کمپ‌های اطراف تهران، فصلنامه پژوهش تحقیقات روانشناختی، ۲۰، ۱۱-۱.

- رضایی، غلامرضا؛ کمیلی، محمدرضا؛ رفوی، جواد (۱۳۹۹)، بررسی مبانی جرم‌انگاری در پرتو رویکرد فایده‌گرایانه بن‌تام براساس سیاست کیفری اسلام، دو فصلنامه گفت‌مان حقوقی (جامعه‌المصطفی‌العالمیه)، ۱۷، ۵-۲۲.

- رضایی، محسن؛ سیاح البرزی، هدایت؛ حسن نژاد، محمد (۱۳۹۲)؛ نقش رویکردهای نظارتی و راهبردی سیاست کیفری بر مجرمان سابقه دار در پیشگیری از تکرار جرم در ایران، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۲۸، ۹۹-۱۲۲.

- سرافراز، فرشید (۱۳۹۴)، حقوق بشر مهاجران در نظام حقوق بین‌الملل، تهران: مجد.

- سرودی مقدم، مصطفی (۱۳۸۳)، مروری بر تفاوت تابعیت و شهروندی دیگر واژگان مشابه در حقوق ایران، بریتانیا، آمریکا و فرانسه، مجله مدرس علوم انسانی، ۳۴، ۱-۱۶.

- شهبازی، آرامش؛ چهل امیران، امیر (۱۳۹۵)، حمایت از مهاجران غیرقانونی در حقوق بین‌الملل»، تهران: شهر دانش.

- صادقی، محمد (۱۳۹۶)، دلالت‌های رویکرد حقوق اسلامی به تابعیت و شهروندی، مجله وکیل مدافع، ۱۶، ۶۳-۸۴.

- عالی‌پور، حسن (۱۳۸۳)، واقعیت جرم، مجله پژوهش حقوق و سیاست، ۱۳، ۱۱۱-۱۳۲.

- عقیق، سید روح الله؛ صالحی، کریم؛ برخوردار، عارف (۱۴۰۱)، **نادیده انگاری بایسته‌های تقنینی در قوانین کیفری ایران در حوزه جرایم علیه امنیت**، فصلنامه دانش حقوق عمومی، ۳۸، ۱۴۰-۱۰۴.
- علومی، ابراهیم (۱۳۹۸)، **جهانی شدن مهاجرت‌های بین‌المللی و زبان‌ها**، فصلنامه سیاست، ۴۹، ۱۶۵-۱۴۷.
- عوده، عبدالقادر (۱۳۷۳)، **التشريع الجنایی الاسلامی مقارناً بالقانون الوضعی**، ترجمه: ناصر قربان‌نیا؛ سید مهدی منصوری؛ نعمت‌الله الفت، تهران: میزبان.
- عینی، محسن؛ غلامی، میثم (۱۳۹۱)، **جرایم ورود و اقامت غیرقانونی در قلمرو ایران**، پژوهشنامه حقوق کیفری، ۵، ۱۰۱-۱۲۴.
- غفاری‌نمین، سپیده (۱۳۹۰)، **حقوق مهاجرت**، ج ۲، تهران: جنگل.
- غلامرضازاده، مرتضی؛ قادری، هاشم؛ علیخانی، زهرا (۱۳۹۵)، **بحران‌های اجتماعی در ایران: علل و زمینه‌ها**، فصلنامه علمی پدافند غیرعامل و امنیت، ۱۵، ۹۵-۱۳۰.
- فرح‌بخش، مجتبی (۱۳۹۲)، **جرم‌انگاری فایده‌گرایانه جستاری در فلسفه حقوق کیفری**، تهران: میزان.
- فعال، طیبه؛ صادقی، محمدهادی (۱۳۹۷)، **ماهیت جرم**، مجله دانش و پژوهش حقوقی، ۷، ۵۵-۷۶.
- قناد، فاطمه؛ اکبری، مسعود (۱۳۹۶)، **امنیت‌گرایی سیاست جنایی**، فصلنامه پژوهش حقوقی کیفری، ۱۸، ۳۹-۶۷.
- کرمی، داود؛ عبدالهی، منوچهر (۱۳۹۵)، **پیشگیری از بزهکاری اطفال با رویکرد خانواده و مدرسه مدار در سیاست جنایی ایران**، فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، ۳۳، ۱۴۰-۱۱۵.
- کمیلی‌پور، علی (۱۳۹۴)، **مجموعه قوانین و مقررات حقوق بین‌الملل خصوصی**، تهران: جنگل.
- کوشکی، غلامحسین (۱۴۰۰)، **اهداف نظام دادرسی کیفری، چشم اندازی اسلامی**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۲۵، ۳۵۸-۳۳۹.
- کونانی، سلمان؛ انصاری، جمال؛ مندنی، اسلام (۱۳۹۴)، **سیاست جنایی از گفتمان تا بر ساخت‌هایی ریزومیک شده و ناروا**، ج ۳، تهران: مجد.

روبارویی با بزهکاری مهاجران در سیاست کیفری ایران؛ «داشته‌ها و بایسته‌ها» ————— ۳۱۲

- کی‌نیا، مهدی. (۱۳۸۸)، **مبانی جرم‌شناسی**، ج ۲، چ ۹، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

- گلدوزیان، ایرج؛ حسین جانی، بهمن (۱۳۸۴)، **مبانی اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری در حوزه ادیان**، مجله الهیات و حقوق، ۱۶ و ۱۵، ۱۲۹-۱۴۸.

- مبارکی، محمد؛ افشانی، سید علیرضا؛ کرد علیوند، سهیلا (۱۳۹۷)، **تحلیل رابطه بین تعهد اجتماعی و بزهکاری: مطالعه مقایسه‌ای میان دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرهای خرم‌آباد و یزد**، مطالعات اجتماعی ایران، ۲، ۱۱۱-۱۳۵.

- متقی، سمیرا (۱۳۹۴)، **تأثیر عوامل اقتصادی بر مهاجرت در ایران تاکید بر شاخص‌های درآمد و بیکاری**، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، ۱۱، ۶۳-۷۴.

- مجیدی، محمدرضا (۱۳۹۶)، **سیاست جنایی ایران در مبارزه با بزهکاری مهاجرین خارجی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، پردیس فارابی دانشگاه تهران.

- محمدی، قاسم (۱۳۸۲)، **سرمقاله: از بام سیاست کیفری تا عرصه راهبرد جنایی در آمدی بر لزوم تدوین برنامه پیشگیری از جرایم**، مجله حقوقی دادگستری، ۴۷، ۷-۱۰.

- مرتضوی، غلامرضا؛ محقق‌نیا، حامد (۱۳۹۶)، **حقوق شهروندی و تابعیت در حقوق انگلستان و ایران**، مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، ۲/۲، ۲۴۹-۲۵۸.

- مرندی، محمدرضا؛ عیسی‌زاده اجیرلو، صراف (۱۳۹۵)، **وضع حقوقی بیگانگان در حقوق خصوصی ایران**، مطالعات علوم سیاسی؛ فقه و حقوق، ۳، ۲۷۳-۲۸۱.

- مندنی، اسلام (۱۳۹۴)، **سیاست جنایی امنیت مدار و نظام کیفری حقوق بشر**، تهران: مجد.

- موسوی‌مجاب، سید درید؛ محمدی، مهدی (۱۳۹۴)، **تأثیر جهل حکمی بر مسئولیت کیفری از منظر فقه امامیه**، مبانی فقهی حقوق اسلامی، ۱۶، ۹۹-۱۲۲.

- میرشکاری، عباس؛ مختاری، مرضیه؛ فراهانی، سید جواد (۱۳۹۶)، **اصول بنیادین قانون اساسی در توصیف مسئله شهروندی**، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۵۷، ۱۷۳-۲۰۲.

- میرفردی، عبدالله؛ رضوی، سید احمد (۱۳۹۶)، **نقش معماری شهری در ارتکاب جرم با رویکردی بر جرم‌شناسی پست‌مدرن**، مجله مطالعات علوم سیاسی حقوق و فقه، دوره سوم، شماره ۱/۴، ۸۵-۱۰۹.

- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۹۳)، **جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم دیپاچه در امیرحسین ابرندآبادی و حمید هاشم‌بیگی**، دانشنامه جرم‌شناسی، تهران: کتابخانه گنج دانش.

- نصیری، محمد (۱۳۹۵)، **حقوق بین الملل خصوصی**، ج ۳۱، تهران: آگاه.
- هدایتی چنانی، رحمان (۱۳۹۹)، **علل آثار و بایدهای تحول ساختاری جرم انگاری حداکثری**، فصلنامه بین المللی قانون یار، ۱۶.
- صلواتی، بهرام (۱۳۹۹)، **سالنامه آماری مهاجرتی ایران معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری**، رصدنامه مهاجرت ایران (پژوهشکده سیاست گذاری دانشگاه صنعتی شریف).
- www.iomtehran.net(2015)**international organization for migration**,9 January.2019
- www.iom.int/**international organization for migration**, publications, world migration report 2020, part 1: Data and information on migration and migrants, chapter II, migration and migrants: A global overview, 19.
- www.iom.int.**iom un migration,donate,our work**, international organization for migration,Glossary on migration,iml series No. 34, 2019, who is a migrants?
- <http://isti.ir>>inc>a.jax/iran migration out look/1399.

